

### اعلامیه مطبوعاتی

## مرکز «تکوین» در جستجوی جای پا... برای پرورش نسلی از ملحدان! (ترجمه)

پس از آنکه این مرکز در سال ۲۰۲۴م در مصر با مخالفت روبه‌رو شد، مرکز موسوم به «تکوین فکر عربی» روز یکشنبه، ۵ اپریل ۲۰۲۶م، به هدف یافتن جای پای جدید به مراکش کوچ کرد. در همین چارچوب، نشست نیمه‌مخفی و بسته در یکی از هتل‌های رباط برگزار گردید که تنها شماری از خبرنگاران در آن حضور داشتند. این مرکز خود را نهادی معرفی می‌کند که گویا در راستای «توسعه گفت‌وگو، تسامح، گشودن افق‌های گفت‌وگو، تشویق به بازنگری انتقادی و طرح پرسش دربارهٔ مسلمات فکری، و نیز دمیدن روح تجدید و اصلاح برای بازگرداندن جایگاه شایستهٔ فکر دینی و پیوند آن با تحولات عصر...» فعالیت می‌کند. اما کافی است نگاهی به اعضای هیأت امنای این نهاد—چهره‌هایی چون ابراهیم عیسی، آلفت یوسف، اسلام بحیری و فراس السواح—انداخته شود تا آشکار گردد که این پروژه در واقع، طرح علنی برای ایجاد تردید صریح در اسلام است.

**روشنگری یا تحریف؟** این افرادی که خود را «روشنفکر» می‌نامند، در حقیقت هدفشان ایجاد تردید در ثوابت دین به نام نوسازی، تجدید و تغییر است. آنان مفسدانی‌اند که لباس مصلحان را بر تن کرده و جنگ شبهات را رهبری می‌کنند؛ قرآن را هدف قرار می‌دهند، در سنت و کتب صحاح طعن می‌زنند، به صحابه حمله کرده و هیبت آنان را در هم می‌شکنند، در حق تابعین و علمای امت جسارت می‌ورزند، تاریخ اسلامی را تحریف می‌کنند و بی‌عفتی را ترویج می‌نمایند. امام حافظ نسائی رحمه الله می‌فرماید: «اسلام همچون خانه‌ای است که دری دارد؛ در اسلام صحابه‌اند، هرکس به صحابه آزار رساند در حقیقت اسلام را هدف گرفته است، همان‌گونه که کسی که در را می‌کوبد، در پی ورود به خانه است.» (تهذیب الکمال ۳۳۹/۱)

این افراد از حمایت گستردهٔ رسانه‌ای و مالی برخوردار اند تا چنین حملات تشکیکی را نشر دهند و جوانان مسلمان را هدف قرار دهند. آنان در پی گشودن باب گفت‌وگو علمی نیستند، بلکه می‌خواهند با جهت‌دهی گزینشی و تأویل‌های تحریف‌شده، تصویری ظاهرراً حق‌نما ارائه کنند، در حالی که در باطن، اساس دین را نشانه می‌گیرند؛ آن هم زیر نام‌هایی چون رهایی از میراث. مرکز «تکوین» چیزی جز هسته‌ای برای گسترش فتنه‌ها نیست؛ انجمنی از افرادی که در فریب و تحریف مهارت دارند، عقیدهٔ مردم را فاسد می‌سازند، ادعای علم می‌کنند، حال آنکه در حقیقت راه‌نایان حقیقت و دعوت‌گران بر دروازه‌های جهنم‌اند که مردم را به افکاری فرا می‌خوانند که از درون، اصل دین را هدف می‌گیرد؛ چنان‌که رسول الله صلی الله علیه وسلم آنان را توصیف کرده است. در حدیثی از حذیفه بن یمان رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«يَكُونُ دُعَاةٌ عَلَىٰ أَبْوَابِ جَهَنَّمَ، مَنْ أَجَابَهُمْ إِلَيْهَا فُدِّفُوهُ فِيهَا»، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صِفْهُمْ لَنَا. قَالَ: «هُمْ قَوْمٌ مِنْ جِلْدَتِنَا يَتَكَلَّمُونَ بِالسِّنْتِنَا».

**ترجمه:** دعوت‌گرانی بر دروازه‌های جهنم خواهند بود؛ هرکس دعوت‌شان را بپذیرد، او را در آن خواهند افکند. عرض کردم: ای رسول الله! آنان را برای ما توصیف کنید. فرمود: آنان مردمی از خود ما هستند، به زبان ما سخن می‌گویند.

**خطر اندیشهٔ الحادی پنهان:** الحاد در لغت به معنای میل‌کردن از مسیر مستقیم و عدول از چیزی است و تنها به الحاد مادی، یعنی انکار وجود الله سبحانه و تعالی محدود نمی‌شود، بلکه هرگونه انحراف از حق و از دین الله سبحانه و تعالی را در بر می‌گیرد. شیخ طاهر بن عاشور رحمه الله در کتاب «التحریر و التنبؤ» می‌گوید: «الحاد، میل‌کردن از وسط چیزی به سوی کنارهٔ آن است و تمام مشتقات آن به همین معنا باز می‌گردد. چون وسط هر چیز به حق و صواب تشبیه می‌شود، پس عدول از حق به باطل نیز به الحاد تشبیه گردیده است؛ از همین‌رو، واژهٔ الحاد بر کفر و فساد نیز اطلاق شده است...»

در همین راستا، داکتر هیثم طلعت، پژوهشگر متخصص در حوزهٔ الحاد و اندیشهٔ معاصر توضیح می‌دهد که مثلث الحاد پنهان دارای سه ضلع اساسی است:

1- انکار سنت؛

2- جدا ساختن مفسر از نص (به این معنا که اجماع، سنت و اقوال علما در فهم نص هیچ جایگاهی نداشته باشد)؛

### 3- خارج ساختن نص قرآنی از معنای حقیقی آن.

در نتیجه، نصوص دینی برای هرگونه تأویل باز گذاشته می‌شود؛ امری که راه را برای رویکردهای نمادگرایانه (یعنی این‌که مفاهیم قرآن صرفاً رمزی بوده و مراد از آن ظاهر الفاظ نیست) و تاریخ‌گرایی (یعنی احکام شرعی تنها مربوط به گذشته بوده و اعتبار امروزی ندارند) و هر نوع الحادی که بتوان تصور کرد، هموار می‌سازد. بر چنین منهجی است که مرکز «تکوین» بنیان نهاده شده است.

**جوانان فعال یا ابزار دست؟! چنان‌که می‌دانیم، کارزارهای تشکیک در دین با شدت تمام در جریان است و در این راه، بدون هیچ حسابی پول مصرف می‌شود. ما در زمانی به‌سر می‌بریم که علما از امر به معروف و نهی از منکر منع می‌شوند، تحت تعقیب قرار می‌گیرند و به زندان افکنده می‌شوند؛ در حالی‌که در مقابل، به سکولارها اجازه داده می‌شود و برای نشر «وحی شیطانی» تمویل می‌گردند. در برابر این موج‌های الحادی و تشکیکی که جامعه را در هم می‌کوبد، تلاش می‌شود تا اسلام جوانان به شکلی ظاهری و تهی از محتوا تبدیل گردد.**

در این زمینه، نبی کریم محمد صلی الله علیه وسلم از وضعیت مسلمانان در آخرالزمان خبر داده و از غلبه جهل و برچیده شدن علم چنین فرموده‌اند. از حذیفه بن یمان رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«يَذْرُسُ الْإِسْلَامَ كَمَا يَذْرُسُ وَشْيُ الثُّوبِ حَتَّى لَا يَذْرَى مَا صِيَامٌ وَلَا صَلَاةٌ وَلَا نُسُكٌ وَلَا صَدَقَةٌ، وَلَيْسَرَى عَلَى كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي لَيْلَةٍ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مِنْهُ آيَةٌ، وَتَبْقَى طَوَائِفُ مِنَ النَّاسِ، الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَالْعَجُوزُ يَقُولُونَ: أَدْرَكْنَا آبَاءَنَا عَلَى هَذِهِ الْكَلِمَةِ؛ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَنَحْنُ نَقُولُهَا»

ترجمه: اسلام همانند نقش و نگار لباس کهنه می‌شود تا آن‌جا که دیگر دانسته نمی‌شود روزه چیست، نماز چیست، عبادت چیست و صدقه چیست؛ و کتاب الله سبحانه و تعالی در یک شب برداشته می‌شود، به‌گونه‌ای که در زمین حتی یک آیه از آن باقی نمی‌ماند، و گروه‌هایی از مردم باقی می‌مانند، پیرمردان و پیرزنان که می‌گویند: ما پدران خود را بر این کلمه یافتیم: لا اله الا الله و ما نیز همان را می‌گوییم.

پس آیا جوانان مسلمان از آن توشه و آگاهی برخوردار اند که بتوانند در برابر این هجوم ایستادگی و مقابله کنند؟ یا این‌که با جریان غالب همسو شده همچون سیلابی این افکار را می‌پذیرند و در آن حل می‌شوند؟

ای مادران مسلمان! آیا آن حداقل و اجباتی را که الله سبحانه و تعالی فرض گردانیده، در وجود این نسل نو کاشته‌اید تا دین را برپا دارند و الله سبحانه و تعالی را آن‌گونه که شایسته است عبادت نمایند؟ آیا فرزندان‌تان را در برابر این تهاجم‌ها مصون ساخته و در آنان احساس عزت به هویت اسلامی را نهادینه کرده‌اید تا عقیده، قطب‌نمای زندگی‌شان باشد و به دنبال وابستگی‌ها و هویت‌های بدیل نروند؟ آیا آنان را با قرآن پیوند داده و توانایی‌شان را در یادگیری زبان عربی، برای تدبیر در کتاب الله سبحانه و تعالی و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم تقویت نموده‌اید؟ آیا دشمنان‌شان و شیوه‌های جنگ آنان را برای‌شان معرفی کرده‌اید؟ این امانتی سنگین است؛ مبادا آن را ضایع سازید!

و ای مسلمانان! بی‌تردید، نبود حاکمیت اسلام بر زمین، مصیبت‌هایی را بر ما تحمیل کرده که هر روز آن را می‌چشیم. اگر دولتی می‌بود که شریعت الله سبحانه و تعالی را تطبیق می‌کرد، هرگز جاهلان این‌گونه تریبون و صدایی نمی‌یافتند. اسلام جز در سایه دولت خلافت بر منهج نبوت، عزت و قدرت نخواهد یافت. پس برای برپایی آن شتاب کنید و جوانان خود را نجات دهید؛ آنان سرمایه این امت‌اند، همان کسانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم را یاری کردند، فتوحات را رهبری نمودند و افتخارات بزرگی را رقم زدند...

**دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر – بخش زنان**